

ایده‌ها

در جستجوی رؤیای آمریکایی

پاسخی به این پرسش که آیا رؤیای آمریکایی واقعاً مرده است؟

سعادت و خوشبختی بودن، به تصویر کشیده شد. البته این رؤیا، نتیجه را تضمین نمی‌کند بلکه به دنبال موقعیت‌ها بودن است. این رؤیا، تمثال شخصیت‌های داستانی در آثار نویسنده قرن ۱۹، یعنی هوراتیو آلجر جی آر^۱ است که در آن‌ها جوانان طبقه کارگر-که قهرمانان داستان هستند- با تلاش، کوشش و روحیه کارآفرینی، از فرش به عرش (دست‌کم به طبقه متوسط جامعه) ارتقاء می‌یابند. هرچند فرصت برای زندگی در رؤیای آمریکایی، امروزه بسیار کمتر از قبل یعنی چند دهه پیش، به همه می‌رسد.

۹۰٪ از کودکانی که در سال ۱۹۴۰ متولد شده‌اند، در بزرگسالی سطح بالاتری از توزیع درآمد نسبت به والدین خود داشتند که این رقم درباره کودکان متولد سال ۱۹۸۰، به تنهایی ۴۰٪ کاهش یافته است. دیدگاه‌ها درباره بی‌عدالتی نیز دستخوش تغییر شده است. در

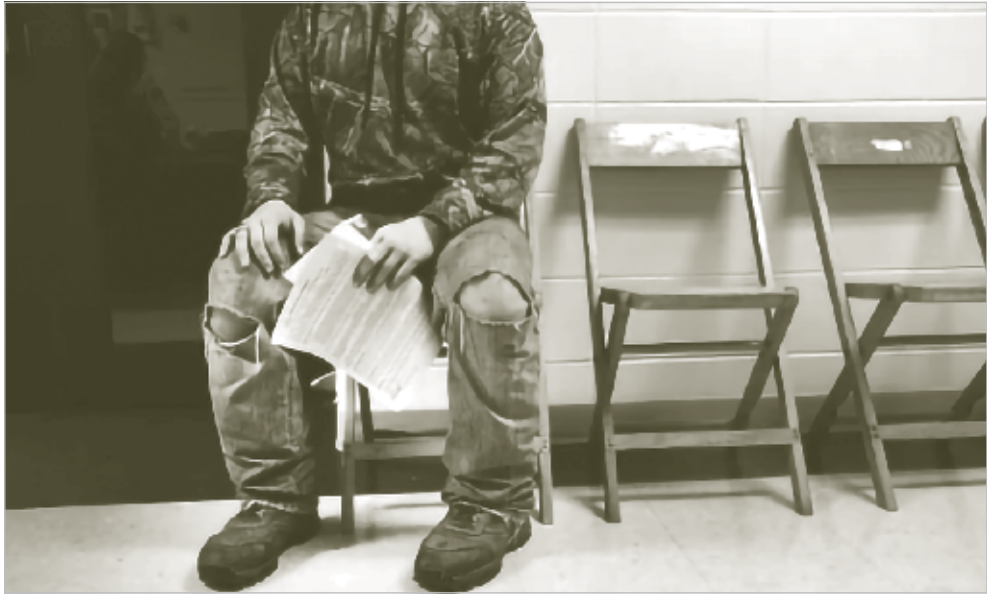
مورد، سفیدپوستان آمریکایی (به خصوص) نسبت به آینده بدبین هستند. لذا همواره به دنبال این پرسش است که عامل محرک این یأس چیست؟ این امر در حالی است که قشر کارگران سفیدپوست آمریکایی که والدینشان رؤیای آمریکایی را تجربه و در آن زندگی کرده و انتظار داشتند همین اتفاق برای فرزندان‌شان نیز بیفتد، اوضاع را بسیار وخیم و دست‌نیافتنی دیدند.

رؤیای آمریکایی در حال فروپاشی!

ایالات متحده شهرت دیرینه‌ای برای سازگاری استثنایی با نابرابری درآمد‌ها دارد و گواه این مسئله نیز سطح بالای تحرک اجتماعی است. این ترکیب، زیربنای رؤیای آمریکایی است که در ابتدا توسط توماس جفرسون، به‌عنوان حق هر شهروند برای به دنبال زندگی، آزادی،

کارول گراهام^۱، استاد دانشگاه مریلند و نویسنده کتاب «خوشبختی برای همه؟ زندگی و امید نابرابر در جستجوی رؤیای آمریکایی^۲» - که از سوی انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۱۷ به چاپ رسیده است- در این مطلب با عنوان «آیا رؤیای آمریکایی واقعاً مرده است؟»^۳ (در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۷ در تارنمای گاردین منتشر شده است) به این نتایج در پژوهش خود دست یافته است: احتمال اینکه مردم فقیر آمریکا اعتقاد دارند با سخت‌کوشی و تلاش می‌توانند پیشرفت کنند و آینده بهتری داشته باشند، نسبت به مردم فقیر (تر) شبیه آن‌ها در کشورهای آمریکای لاتین، ۲۰ برابر کمتر است. در این

1. Carol Graham
2. Happiness for All? Unequal Hopes and Lives in Pursuit of the American Dream
3. Is the American dream really dead?



مردی صبح زودهنگام و سپیده دم پس از اینکه شب را در ماشین خود خوابیده، منتظر است تا «پزشک سیار» در اورلنای نیویورک او را به صورت رایگان ویزیت کند.

به پژوهش‌های جدید بر اساس شاخص‌های جدید رفاه، شواهد موثقی دیده می‌شود که نشان می‌دهند، حداقل رؤیای آمریکای در حال فروپاشی است.

بأس و ناامیدی سفیدپوستان، امیدواری اقلیت‌ها

پژوهش من با مقایسه دیدگاه‌ها درباره تحرک اجتماعی در آمریکا و آمریکای لاتین آغاز شد؛ آمریکای لاتین یعنی منطقه‌ای که همواره به دلیل بالا بودن سطح فقر و بی‌عدالتی معروف بوده است (اگرچه در دهه‌های اخیر پیشرفت‌هایی نیز داشته است). من یکی از پرسش‌هایی را که در نظرسنجی جهانی موسسه

قطع امید کردند. همان‌طور که در بسیاری از داستان‌های آلجر شخصیت اصلی داستان از کمک‌های سخاوتمندانه یک فرد بشردوست و بخشنده بهره‌مند می‌شود، مثال‌های بی‌شماری نیز در دنیای واقعی وجود دارد که در آن‌ها، یکی از اشکال شانس نقش اصلی موفقیت در آمریکا را ایفا می‌کند؛ و با وجود این، در سال‌های اخیر حمایت اجتماعی از قشری که از شانس بی‌بهره‌اند، به‌ویژه قشر فقیر که نمی‌توانند به صورت تمام‌وقت استخدام شوند، به شدت روند کاهشی داشته و حتی امروزه با تهدید بیشتری نیز روبه‌رو بوده است. خلاصه سخن اینکه با توجه

سال ۲۰۰۱، نتایج پژوهش نشان داده است که تنها آمریکاییانی که در نتیجه بی‌عدالتی سطح پایین‌تری از احساس خوشبختی را داشتند، افراد چپ‌گرای ثروتمند بودند، در حالی که قشر ضعیف‌تر به بی‌عدالتی به عنوان فرصتی برای آینده می‌نگریستند. البته این خوش‌بینی از آن زمان به بعد، به‌طور قابل‌توجهی تعدیل شد؛ در سال ۲۰۱۶، تنها ۳۸٪ از آمریکاییان باور داشتند که فرزندانشان در آینده زندگی بهتری نسبت به خودشان خواهند داشت. در همین میان، بحث عمومی درباره بی‌عدالتی در یک رکن اساسی رؤیای آمریکایی، یعنی عامل شانس بود که از آن،

گالوپ^۱ مطرح شده بود (یکی از سؤالات محوری رؤیای آمریکایی که از پاسخ دهندگان پرسیده شده بود)، بررسی کردم: «آیا فردی که در این کشور سخت تلاش می‌کند، می‌تواند پیشرفت کند؟» در نتیجه بررسی خود، شکاف بسیار بزرگی میان پاسخ ثروتمندان و فقرا به این سؤال، در آمریکا یافتم (معیار تشخیص دو گروه ۲۰٪ بالا و پایین توزیع درآمد در پاسخ دهندگان، نظرسنجی گالوپ بود). این نتیجه با نتیجه بررسی پاسخ‌های آمریکای لاتین در تضاد آشکار بود، زیرا در پاسخ‌های آمریکای لاتین، تفاوت مهم و معناداری میان دیدگاه‌های گروه‌های درآمدی مختلف به چشم نمی‌خورد. احتمال اینکه مردم فقیر آمریکا اعتقاد دارند با سخت‌کوشی و تلاش می‌توانند پیشرفت کنند و آینده بهتری داشته باشند، نسبت به مردم فقیر (تر) شبیه آن‌ها در کشورهای آمریکای لاتین، ۲۰ برابر کمتر است، با وجود اینکه مردم فقیر آمریکای لاتین از نظر رفاه مادی، وضعیتی به مراتب بدتر نسبت به فقرای آمریکا دارند.

سؤال دیگری که در نظرسنجی مطرح شده، این بود که آیا پاسخ‌دهندگان هر روز استرس را تجربه می‌کنند؟

استرس یکی از شاخص‌های سلامت ضعیف است و نوع استرسی که معمولاً قشر فقیر جامعه تجربه می‌کنند، معمولاً ناشی از شوک‌های منفی‌ای است که خارج از کنترل آن‌ها است (استرس بد) که مطمئناً برای سلامتی روحی و جسمی آن‌ها مضرتر از استرس خوب است؛ استرسی که در راستای دستیابی به هدف است و افرادی آن را تجربه می‌کنند که قادرند بر روی آینده خود، تمرکز و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

مردم آمریکای لاتین بیشتر از مردم ایالات متحده می‌خندند و کم‌تر استرس دارند!

به طور کلی، مردم آمریکای لاتین نسبت به مردم آمریکا، هر روز به میزان قابل توجهی کمتر متحمل استرس می‌شوند و بیشتر هم می‌خندند. اختلاف میان فقرا و ثروتمندان در ایالات متحده، به طور قابل توجهی بیشتر از آمریکای لاتین است (۱/۵ برابر در امتیاز ۱-۵) و این یعنی فقرا در آمریکا، استرس و فشاری بیشتر از ثروتمندان یا فقیران در آمریکای لاتین متحمل می‌شوند. شکاف میان انتظارات و احساسات افراد فقیر و ثروتمند نیز در ایالات متحده، بزرگ‌تر از این شکاف در بسیاری کشورهای دیگر در شرق آسیا و اروپا (مناطق مورد مطالعه) است. به نظر می‌رسد که فقیر بودن در کشوری بسیار ثروتمند و در عین حال بسیار نابرابر که خود را سردمدار شایسته سالاری

دانسته و به خود می‌بالد اما از زیر حمایت اجتماعی از قشر ضعیف و عقب‌مانده شانه خالی می‌کند، منجر به درجه بالاتری از استرس و افسردگی می‌شود.

البته تحقیق من نتایج تعجب‌برانگیزی نیز در پی داشت. در حالی که در نقطه آغاز، نتیجه نشان‌دهنده سطح پایین اعتقاد به ارزش تلاش، سخت‌کوشی و سطح بالای استرس در میان مردم فقیر آمریکا بود، میزان خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی درباره آینده را در میان مردم فقیر از نژادهای مختلف، بررسی و مقایسه کردم. این بررسی بر اساس سؤالی در نظرسنجی روزانه گالوپ بود که از پاسخ‌دهندگان می‌پرسد، فکر می‌کنند که تا ۵ سال آینده، بر روی کدام پله نردبان رضایت از زندگی با پله‌های مفروض ۰-۱۰ ایستاده باشند؟ من به این نتیجه رسیدم که اقلیت‌های فقیر و به‌ویژه سیاه‌پوستان، نسبت به آینده بسیار خوش‌بین‌تر از سفیدپوستان فقیر هستند. در حقیقت، سیاه‌پوستانی که به سؤالات نظرسنجی پاسخ داده بودند، سه برابر سفیدپوستان فقیر، سطح بالاتری از خوش‌بینی را بر روی نردبان خوش‌بینی انتخاب کرده بودند، در حالی که فقیران هیسپانیک آمریکا، یک و نیم برابر نسبت به سفیدپوستان خوش‌بین‌تر بودند. همچنین، احتمال اینکه فقیران سیاه‌پوست روز قبل از نظرسنجی تحت استرس و فشار بوده باشند

۱. شرکت گالوپ به انگلیسی (Gallup Inc) که در ایران بیشتر با نام مؤسسه گالوپ شناخته می‌شود، یک شرکت مشاوره مدیریتی است که بیش از همه چیز برای مؤسسه نظرسنجی گالوپ به انگلیسی (Gallup Poll) شناخته شده است. مؤسسه گالوپ از معتبرترین مؤسسات نظرسنجی در جهان است که آشنایی با مراحل که برای انجام نظرسنجی در این مؤسسه انجام می‌شود، حائز اهمیت است.

افراد سیاه پوست و هیسپانیک، گرچه به طور متوسط از سفیدپوستان بالاتر بوده اما در همان دوره زمانی، همچنان رو به کاهش است.

دلایل این گرایش چندوجهی است؛ یکی از این دلایل، همزمانی دو روند است، یعنی در دسترس بودن کامل و راحت مواد مخدری چون ایبوئیدها، هروئین و فنتالین و کاهش مشاغل و هویت کارگری که عامل اصلی آن، تحولات تکنولوژی است. امروزه ۱۵ درصد از مردان در سن طلایی زندگی خود، بیرون از دایره نیروی کار قرار دارند؛ و پیش بینی می شود که این رقم تا سال ۲۰۵۰، به ۲۵ درصد برسد. به نظر می رسد هویت کارگری برای سفیدپوستان، قوی تر از اقلیت ها است. با اینکه امروزه موقعیت های شغلی در زمینه خدماتی چون بهداشت و سلامت افزایش یافته، احتمال انتخاب این مشاغل در مردان سفیدپوست، بسیار کمتر از هم نوعان آن ها در اقلیت ها است. طبق نتیجه جدیدترین تحقیقاتم با سر جیو پینتو، فقدان امید نیز به افزایش میزان مرگ و میر کمک می کند. به طور متوسط افرادی که نسبت به آینده کمتر خوش بین هستند، بیشتر در مناطق آماری کلان شهرها با آمار مرگ و میر بیشتر در سنین ۴۵ تا ۵۴ سالگی زندگی می کنند.

افراد مایوس و ناامید، بیشتر در معرض مرگ زودرس هستند اما زندگی در میان انبوهی از مرگ و میر

می کنند که زندگی آن ها نسبت به زندگی والدینشان بهتر است. احتمال اینکه فقیران سفیدپوست بگویند که زندگی بدتری نسبت به والدین خود دارند، بیشتر است. به نظر می رسد که (به ویژه) این گروه در فرسایش رؤیای آمریکایی زندگی می کنند.

مشکل آمریکایی

چرا این مسئله اهمیت دارد؟ تحقیق من در یک دهه پیش (از آنجایی که پژوهش های دیگر نیز آن را تأیید کرده اند)، به این نتیجه رسید: افرادی که درباره آینده خود امیدوارتر و خوش بین تر بودند، دستاوردهای شغلی و سلامت بهتری داشتند. کسانی که به آینده امید دارند، برای آن سرمایه گذاری و تلاش می کنند، در حالی که کسانی که با فشار و استرس، تقای روزمره و فقدان امید تضعیف می شوند، نه تنها گزینه های کمتری برای چنین سرمایه گذاری ای دارند، بلکه اطمینان کمتری هم دارند که تلاش هایشان در آینده به ثمر خواهد نشست. بارزترین نشانگر عدم امیدواری در ایالات متحده، افزایش قابل توجه در مرگ و میر زودرس در دهه گذشته بوده (افزایش خودکشی ها و مسمومیت با مواد مخدر و الکل و توقف پیشرفت ها در زمینه مهار بیماری های قلبی و سرطان ریه) که در درجه اول، در میان افراد سفیدپوست تحصیل نکرده میان سال است. میزان مرگ و میر

نسبت به فقیران سفیدپوست، نصف و این نسبت درباره فقیران هیسپانیک آمریکا، تنها دوسوم نسبت به فقیران سفیدپوست است. چگونه می توان درجه خوش بینی بالاتر را در میان اقلیت ها توجیه کرد؟ اقلیت هایی که از گذشته با تبعیض و چالش های مختلف، دست و پنجه نرم کرده اند. پاسخ به این سؤال، چندان هم ساده نیست؛ یکی از عوامل تأثیرگذار می تواند این باشد که اقلیت های فقیر نسبت به هم نوعان سفیدپوست خود، از تور ایمنی و حمایت اجتماعی غیررسمی قوی تری برخوردارند؛ مانند خانواده و کلیسا. همچنین، روانشناسان به این یافته رسیده اند که اقلیت ها معطف تر بوده و به احتمال بسیار کمتری نسبت به سفیدپوستان در مواجهه با شوک های منفی، ابراز افسردگی می کنند یا دست به خودکشی می زنند. شاید هم به این دلیل باشد که آن ها مسیر طولانی تری را در رویارویی با شوک های منفی و چالش ها پیموده اند. موضوع مهم دیگر، تهدید و واقعیت تحرک نزولی سفیدپوستان طبقه کارگر است، به ویژه در قلب کشور که مشاغل تولیدی، معدن کاری و دیگر شغل ها، به تدریج محو شده و خلأئی ایجاد کرده اند. اندرو چرلین از دانشگاه جان هاپکینز، بیان می کند که فقرای سیاه پوست و هیسپانیک آمریکا، به مراتب بیشتر از فقیران سفیدپوست فکر کرده و چنین بیان



زودرس نیز، خود موجب تحلیل رفتن امید می‌شود. از طرف دیگر سطح بالاتر خوش بینی در میان ساکنان مناطق کلان شهری با پایین بودن میزان مرگ و میر زودرس همراه است. این مناطق معمولاً از نظر قومی و نژادی پراکندگی بیشتری داشته، زندگی سالم‌تری دارند (با توجه به اینکه تعداد کمتری از پاسخ‌دهندگان، دخانیات مصرف و تعداد بیشتری ورزش می‌کنند) و رونق شهری و اقتصادی در آن‌ها بیشتر است. رشد ناشی از پیشرفت‌های فناوری، فقط محدود به آمریکا نیست و کارگران کم مهارت در همه کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، با مشکلات ناشی از آن مواجه هستند؛ اما این کشورها برخلاف آمریکا، با افزایش مرگ و میر زودرس روبه‌رو نشدند. یک دلیل بر این مسئله، شاید این باشد که کشورهای اروپایی نظام تأمین اجتماعی قوی‌تر و قوانین

مسئولیت‌های اجتماعی محکم‌تری در حمایت از اقشار ضعیف دارند. از قضا شاید یکی از دلایل این مشکل، همان رؤیای آمریکایی باشد. قشر کارگران سفیدپوست آمریکایی که والدینشان رؤیای آمریکایی را تجربه و در آن زندگی کردند و انتظار داشتند تا همین اتفاق برای فرزندانشان نیز بیفتد، کسانی هستند که به نظر می‌رسد، بیشترین آسیب را از فرسایش این رؤیا متحمل شده و باین حال، معمولاً به برنامه‌های دولت رأی منفی می‌دهند. برعکس، اقلیت‌ها که سال‌ها برای حقوق خود مبارزه و تلاش کرده‌اند و در میدان کار و اشتغال، بیشتر تجربه انجام کارهای مختلف را دارند و در مواقع نیاز، می‌توانستند روی کمک و حمایت خانواده و انجمن‌های محلی حساب کنند، منعطف‌تر و امیدوارترند به‌ویژه به این دلیل که آن‌ها همچنان فرصت‌هایی برای بالا رفتن از پله‌های نردبان پیش روی خود می‌بینند.

هزینه فقیر بودن در آمریکا، بسیار سنگین است؛ کشوری که در آن، برندگان خوب می‌برند و بازندگان بد زمین می‌خورند. در حقیقت این رؤیا با هدف پیشگامی در شایسته‌سالاری، نتیجه مطلوبی در پی نداشت: حمایت دولت از توره‌های ایمنی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و حمایت‌های اجتماعی از مردم محروم و بی‌بهره از شانس و اقبال، در آمریکا نسبت به کشورهای دیگر بسیار کمتر است. این اقدامات و استراتژی‌ها امروز به شدت مورد نیاز است به‌ویژه در قلب کشور، جایی که شاید خاستگاه بسیاری از قهرمانان آلجربوده اما این قشر، مدت‌ها است که دیگر از بخت و اقبال بلند بی‌بهره مانده‌اند.

منبع

این مطلب در ۲۰ ژوئن سال ۲۰۱۷ در تارنمای گاردین منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:
<https://www.theguardian.com/inequality/2017/jun/20/is-the-american-dream-really-dead>